

حج در نهج البلاغه (۱)

تألیف: رضا کریمی واقف

مقدمه

- [اثار حج، رحمت الهی](#)
- [اثار حج، وصال بهشت](#)
- [اثار حج، همبستگی دینی](#)
- [اثار حج، شست و شوی گناهان](#)
- [اثار حج، رونق اقتصادی](#)
- [اثار حج، أمرزش الهی](#)
- [اثار حج، یاکسازی و خلوص](#)
- [اثار حج، سود معنوی](#)
- [اثار بیتوجه و ترک حج](#)
- [اثار عمره](#)
- [اموزش حج](#)
- [امرزش گناهان در حج](#)
- [اجاره و حکم آن در حرم](#)
- [احرام](#)
- [احکام، وجوب حج](#)
- [احکام حج، وقت کوچ از عرفات](#)
- [احکام فربانی](#)
- [ادای حق کعبه](#)
- [ارزش کعبه](#)
- [اشتباع حج و دیدار کعبه](#)
- [اعتكاف رسول الله در غار حرا](#)
- [اقامه حج](#)
- [امتحان و آزمایش الهی در حج](#)
- [امنیت حرم](#)
- [امنیت حرم](#)
- [اموال کعبه](#)
- [انبیای الهی در حج](#)
- [اهمیت کعبه](#)
- [اهمیت کعبه و حج](#)
- [اهل و عیال مسافر](#)
- [ایام الله در حج](#)
- [بازار حج](#)
- [بنای کعبه از زمان آدم\(علیه السلام\)](#)
- [بنای کعبه از زمان آدم\(علیه السلام\)](#)
- [بنای ساده کعبه](#)
- [بهشت پاداش حج](#)
- [بهترین وسیله تقریب به خداوند](#)
- [بیتوجهی به زیباییهای دنیوی در حج](#)
- [بیگانگان در مراسم حج](#)
- [بیاداش حج](#)
- [بیاداش حج، وصال بهشت](#)
- [بیاداش حج، غفران الهی](#)
- [پناه بیناها](#)
- [پناهگاه انسانها](#)
- [تبلیغات در حج](#)
- [تجارت در حج](#)
- [توطنه بیگانگان در مراسم حج](#)

تعلیم و تعلم در حج

تقویت دین با حج

تواضع در حج

تواضع در حج

توجه به نیاز حاج

توجه به نیازمندان در حج

توحید در حج

توسل به خداوند

جایگاه انبیای الهی

جایگاه کعبه در اسلام

جهاد ناتوانان

حج آدم

حج، اعتراف به عزت خداوند

حج انبیا(علیهم السلام)

حج، بازار بندگی خداوند

حج، بهای بھشت

حج، بهترین وسیله تقرب به خداوند

حج، بیتوجهی به زیباییهای ظاهری

حج، بیتوجهی به زیباییهای دنیوی

حج، دعوت برگزیدگان

حج، زایل کننده شخصیتهای کاذب

حج، پیروی انبیای الهی

حج، جایگاه ترویج علوم دینی

حج، جهاد ناتوانان

حج، سبب رحمت الهی

حج و عمره، شستشو دهنده گناهان

حج، تصدیق کلام خداوند

حج، عامل تقویت دین

حج، عامل همبستگی دینی

حج، عامل رونق اقتصادی

حج، محل گفتگوی دانشمندان

حج و حکومت اسلامی

حج و رفع نیاز محتاجان

حج، وسیله امتحان مردمان

حج، وسیله خلوص

حج، وعدهگاه آمرزش الهی

حج معنوی

حرا

حفظ اموال کعبه :

حکومت اسلامی و خانه خدا

یی نوشته ها

مقدمه

حمد و سپاس خداوند مُنان را و درود و صلووات بر محمد و آش.

کعبه به عنوان مرکز توحید، قبله جهانیان، و حج به عنوان بینظیرترین تجلی عبادت و بندگی و با شکوهترین تجمع الهی، و امام علی(علیه السلام) به عنوان برترین الگوی انسانی کامل و نهجالبلاغه بهمنزله بالاترین کلام انسانی، همواره بهم پیوندی قرین و ناگستنی دارد.

علی، نه تنها مولود کعبه، که موعد کعبه است. ادای حق بیت‌الله فریضه است و معرفت علی(علیه السلام) این حق است.

و حج خانه توحید جز با اتصال به امامت و شناخت ولايت به اتمام نمیرسد. سرتاسر مناسک و اعمال حج، رمز و رازی دیگر دارد که آثار و رهآوردها این عبادت در اسرار شگفت آن نهفته است.

وعلی(علیه السلام) این برترین انسان، در بالاتری کلام، از کعبه، با فضیلترين نقطه جهان و از حج، پرشکوهترین عبادت، سخن میراند و در نهج البلاغه شریف که نازله روح اوست، گوشاهی از زلال این فرمان الهی را برای تشنگان چشم معرفت جاری میسازد.

این مجموعه، فهرستی از کلام بلیغ آن حضرت در باره خانه توحید در نهج‌البلاغه است.

امید آنکه در سال مولا امیر مؤمنان(علیه السلام) خدمتی باشد در ترویج معارف گهربار ولايت، و نشانی در راه عاشقان خانه دوست و محبان حريم ولايت.

این تلاش ناچیزی است در شناسایی مطلب آن کتاب نورانی، درباره کعبه و حج و فهرستبندی موضوعی آن.

گفتني است، با توجه به تنوع موضوعات، چه بسا یك فرمان و بیان بلیغ حضرت، تبیین کننده چند مطلب و ناگزیر به چندین تکرار باشد.

امید آنکه مورد عنایت حضرت حق قرار گیرد.

آثار حج، رحمت الهی

...»**جَعْلَهُ اللَّهُ سَبَبًا لِرَحْمَتِهِ**« (خطبه ۱۹۲)

«خداؤند سبحان... حج را سببی برای رحمت خویش قرار داد.».

خطبهها و نامهها و حکمتها نهج البلاغه، اشارات بلیغی به آثار معنوی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حج دارند. به فرمایش آن حضرت، در سایه برگزاری این مراسم معنوی، اثرات زیبایی از رحمت الهی، نصیب افراد و جوامع مسلمان میگردد.

آثار حج، وصال بهشت

»**جَعْلَهُ اللَّهُ... وَوَصْلَةً إِلَى جَنَّتِهِ**« (خطبه ۱۹۲)

...»خداؤند حج را وسیلهای برای رسیدن مردم به بهشت قرار داد.».

حج گزاران و کارگزاران حج، بالیک به این فرمان الهی، درهای بهشت خدا را به روی خویش میگشایند.

آثار حج، همبستگی دینی

»**فَرَضَ اللَّهُ... وَالْحَجَّ تَثْرِيَةً لِلَّدِينِ**«.(حکمت ۲۵۲)

«خداؤند حج را برای همبستگی مسلمانان واجب گردانید.».

و نیز حضرت امام هشتم(علیه السلام) فرمودند: خداوند خانه‌اش را نقطه گرد همایی از شرق و غرب جهان قرار داد تا مسلمانان همدیگر را بشناسند.^۱.

تألیف قلوب مسلمین و انس و وحدت میان آنان و نزدیکی و شناخت حال همیگر، از آثار پرشکوه این فریضه الهی است که حضرت امیر(علیه السلام) بدان اشاره فرموده‌اند

آثار حج، شست و شوی گناهان

«وَحَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ... وَبَرْحَضَانِ الدُّنْبَ».(خطبه ۱۱۰)

«حج و عمره بیت الله الحرام... شستشو دهنده گناهان هستند».

آری، از رهآوردهای ارزشمند حج، آمرزش الهی برای حاجاج خانه خداست.

آثار حج، رونق اقتصادی

«وَحَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ، فَإِنَّهُمَا يَتَفَقَّدَانِ الْقُفْرَ...».(خطبه ۱۱۰)

«حج و عمره خانه خدا، نابود کننده فقر هستند».

آثار فراوان اقتصادی حج غیر قابل انکار است. رفع فقر و آبادانی بلاد مسلمین و رونق اقتصادی جوامع مسلمان، از دیگر آثار این فریضه الهی است که حضرت بدان اشاره دارند.

آثار حج، آمرزش الهی

«...وَيَتَبَادِرُونَ عِنْدَهُ مَوْعِدَ مَغْفِرَةٍ».(خطبه ۱)

«دعوت شوندگان حج بیت الله الحرام... به سوی وعدگاه آمرزش الهی میشتابند».

آمرزش و غفران الهی، مهمترین آثار و رهآوردهی است که هر مسافر خانه خدا میتواند برای خود به ارمغان آورد. ارمغان از جایی که حاجی میهمان است و پذیرایی میهمان با غفران الهی صورت میگیرد. و میهمان عارف در این خوان ضیافت، آمرزش الهی را میخواهد و در طلبش شتاب فراوان دارد.

سعدي در گلستان گويد :

در ویشی را دیدم سر بر آستان کعبه همی مالید و میگفت: یا غفور یا رحیم، تو دانی که از ظلوم جهول چه آید :

عذر تقصیر خدمت آوردم عاصیان از گناه توبه کنند عاصیان از گناه توبه کنند
که ندارم به طاعت استظهار عارفان از عبادت استغفار عارفان از عبادت استغفار

عبدان جزای طاعت خواهند و بازگانان بهای بضاعت. من بنده امید آورده‌ام نه طاعت و به دریوزه آمد هام نه به تجارت، «اصنُع بی ما اُشتَّهِلَهْ».

بر در کعبه سائلی دیدم مینگویم که طاعتم بپذیر مینگویم که طاعتم بپذیر
که همی گفت و میگرستی خوش قلم عفو بر گناه کش قلم عفو بر گناه کش

باب دوم گلستان

آثار حج، پاکسازی و خلوص

«...وَتَمْحِي صَأْبَلِيغًا...».(خطبه ۱۹۲)

«وَخَادِنْدَ سَبْحَانْ حَجَ رَا .. بِرَاهِيْ پَاكْسَازِيْ وَ خَالِصَ شَدَنْ قَرَارَ دَادَ ».»

حج صحنه آزمایش است که به خودسازی مسلمان و پاکسازی درونی و خالص شدن اعمال و نیات او میانجامد .

- کعبه را گُر هر دمی عزّی فزود کعبه را گُر هر دمی عزّی فزود
- آن ز اخلاصات ابراهیم بود آن ز اخلاصات ابراهیم بود

(مولوی)

آثار حج، سود معنوی

...»يُحْرِزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَنْجَرِ عِبَادَةِهِ«.(خطبه ۱)

دعوت شوندگان حج بیت الحرام... سودهای فراوان در این تجارتخانه عبادت الهی به دست میآورند .

بندگی خداوند سود سرشار دارد. هر که به خداوند نزدیکتر شد، بینیازتر شد. انسان حجگزار به خداوند تقرب بیشتری میجوید و در سایه این عبادت خالص به همه چیز میرسد .

آثار بیتوجهی و ترك حج

«وَاللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَا تُخْلُوْهُ مَا بَقِيَّمْ، فَإِنَّهُ إِنْ تُرَكَ لَمْ تُنَاظِرُوا«.(نامه 47)

«خدا را، خدا را، درباره خانه پروردگارتان، تا هستید آن را خالی مگذارید؛ زیرا اگر کعبه خلوت شود، مهلت داده نمیشود ».»

نامه ۴ نهج البلاغه وصیت نامه بسیار مهم حضرت است که ایشان پس از ضربت خوردن از شقیترین مردم، در ماه رمضان سال ۴ هـ. در بستر شهادت به امام حسن و امام حسین(علیهم السلام) (بیان فرمودند. در جمله فوق که قسمتی از وصیت نامه و سفارش به خانه خدا و حج میباشد، امام(علیه السلام) از آثار مهم ترک حج و تضعیف این مراسم را، از میان رفتن پشتیبان و غلبه دشمن درونی و بیرونی میداند .

آثار عمره

«وَحَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ، فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَيَرْحَضَانِ الدَّبَابَ«.(خطبه 110)

«حج و عمره بیت الله الحرام، نابود کننده فقر و شستشو دهنده گناهان هستند ».»

در این بیان، حضرت، عمره را هم مانند حج، دارای تاثیر بسزا در رونق اقتصادی مسلمین و نایبودی فقر و تأمین حوانچ مادی و دنیوی اجتماعات اسلامی میداند در حالی که بلافاصله تاثیر عمیق معنوی و اخروی آن نیز مذکور آن امام بزرگوار قرار میگیرد که آمرزش گناهان معتمرین و عمرهگزاران این بیت شریف است .

آموزش حج

...»فَأَقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ،... فَاقْتِ الْمُسْتَقْتَى، وَعَلَمْ الْجَاهِلَ، وَذَكِرَ الْعَالَمَ«.(نامه 67)

«پس برای مردم حج را بیا دار و سپس فتاوای دینی را به طالبان آن ابلاغ نما و نا آگاهان را آموزش ده و با دانشمندان به گفتگو بپرداز ».»

براستی حاجیانیکه پا به این عرصه عظیم عبادی میگذارند. نیازمند آموزش منسجم از مناسک و احکام حج، اسرار حج، اخلاق حج، و تعالیم دیگر مؤثر در بهره‌گیری هرچه بهتر از این موقعیت استثنایی هستند و حضرت در این نامه نزوم توجه به این امر مهم را به فرماندار مکه به عنوان سرپرست حجاج و امیر الحاج منصوب امام، سفارش میکنند. آمرزش کناهان در حج

امام صادق(علیه السلام) فرمود :

«الحجاج يَصُدُّونَ عَلَىٰ ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ: ...صِفَتُّ يَخْرُجُ مِنْ ذُنُوبِ كَهْيَةٍ يَوْمَ وَلَيْلَةُ أَمَّةٍ ».»

«حجاج در سه گروه باز میگردند... و گروهی از آنان در حالی که کناهان آنان بخشیده شده، مانند روزی که از مادر زاده شده‌اند^۲ ».»

اجاره و حکم آن در حرم

...»وَمَرْأُوهُمْ مَكَّةً أَلَا يَأْخُذُوا مِنْ سَاكِنِ أَجْرًا«.(نامه 67)

«وبهمردم مکه فرمانده تا از هیچ زانری درایام حج، اجرت و مزد مسکن نگیرند ».»

از موارد احکام فقهی مربوط به حرم این است که بعضی اجاره دادن خانه‌های حرم به زائران را ممنوع میدانند و بعضی دیگر آن را مکروه میشمارند. و سر آن این است که در قرآن میفرماید :

...{سَوَاءَ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ...}؛ «مقیم و مسافر در آنجا یکسانند ».»

دستور اصلی نیز همین بود که ساکنان مکه در خانه‌های خود را باز بگذارند تا زائران با سکونت در آنها، مناسک حج خود را با رفاه و آرامش بیشتری انجام دهند و برگردند .

احرام

«قُدْ تَبَدُّوا السَّرَّابِيلَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ». (خطبه ۱۹۲)

(«عاشقان بیت الله (لباسهای خود را که نشانه شخصیت هر فرد است، (جهت احرام) در آورند و پشت سر اندازند ».»)

احرام مرحلهای از اعمال حج و عمره است که فرد با کندن لباسهای ظاهری و ندای لبیک، به فرمان دعوت الهی، پاسخ میگوید و در جمع دیگر حاج، به خدا مبیرونده و محترمات احرام را برخود میپذیرد و وارد اعمال حج میشود .

- چون همی خواستی گرفتی احرام جمله بر خود حرام کرده بدی جمله بر خود حرام کرده بدی
- چه نیت کردی اندر آن تحريم هر چه مادون کردگار قدیم هر چه مادون کردگار قدیم

ناصر خسرو احکام، وجوب حج

...»وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ«.(خطبه ۱)

«و خداوند حج خانه محترم خود را بر شما واجب گردانید «.

و قرآن میفرماید ...}؛ وَاللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ مَنْ أَسْطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ عَنِّيْ عَنِّ الْعَالَمِينَ}؛
«بر مردمانی که توانایی دارند، حج خانه برای خدا واجب کشت و هر کس کفر ورزد، بداند که خداوند از
عالیان بینیاز است^۳».

احکام حج، وقت کوچ از عرفات

...»وَصَلُّوا بِهِمُ الْمَغْرِبَ حِينَ... وَيَدْفَعُ الْحَاجُ إِلَيْ مِئِي«(نامه ۵۲)

«نماز مغرب را با مردم زمانی بخوان که ... حاجی از عرفات به منا کوچ میکند «.

در این نامه که حضرتبه فرماندار انشهرها مینویسنند، فرامینی دارند در نحوه نمازشان با مردمکه در آن، وقت نمازها و نماز مغرب را تعلیم میدهند و در وقت نماز مغرب، اشارهایدارند بهزمانکوچ حجاج از عرفات بهمشعر و منا کهنهنگام نماز مغرب است .

احکام قربانی

«وَمِنْ تَمَامِ الْأَضْحِيَّةِ اسْتِشْرَافُ أَذْنِهَا، وَسَلَامَةُ عَيْنِهَا».(خطبه ۵۳)

«وکمال قربانی در این است که گوش و چشم آن سالم باشد «.

حیوانی که در حج برای قربانی انتخاب میگردد، احکام و شرایطی دارد که حضرت در این خطبه کوتاه، بیان مختصری در مورد سالم بودن آن آوردهاند .

ادای حق کعبه

«وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ... فَرَضَ حَقَّهُ«.(خطبه ۱)

«خداوند سبحان حج خانهاش را بر شما فرض نمود و ادای حق کعبه را واجب گردانید «.

احکام قربانی

«وَمِنْ تَمَامِ الْأَضْحِيَّةِ اسْتِشْرَافُ أَذْنِهَا، وَسَلَامَةُ عَيْنِهَا».(خطبه ۵۳)

«وکمال قربانی در این است که گوش و چشم آن سالم باشد «.

حیوانی که در حج برای قربانی انتخاب میگردد، احکام و شرایطی دارد که حضرت در این خطبه کوتاه، بیان مختصری در مورد سالم بودن آن آوردهاند .

ادای حق کعبه

«وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَام... فَرَضَ حَقَّهُ». (خطبه ۱)

«خداؤند سبحان حج خانهاش را بر شما فرض نمود و ادای حق کعبه را واجب گردانید ».»

ارزش کعبه

...»بِأَحْجَارٍ لَا تَضُرُّ وَلَا تُنْفَعُ، وَلَا يُبْصِرُ وَلَا تَسْمَعُ، فَجَلَّهَا بَيْتُهُ الْحَرَام....»(خطبه ۱۹۲)

«سنگهایی است که نه زیان میرسانند و نه نفعی دارند، نه میبینند و نه میشنوند. پس خداوند آنها را خانه محترم خویش قرار داد ».»

در این خطبه حضرت ارزش خانه کعبه را به سنگهای آن نمیدانند. سنگهای معمولی بهتهایی بیاژند. بلکه بهفرمایش آن بزرگوار، ارزش کعبه به آن است که خداوند این سنگها را خانه مورد احترام خود و وسیلهای برای امتحان بندگان خویش قرار داد .

- فضل آن مسجد ز خاک و سنگ نیست فضل آن مسجد ز خاک و سنگ نیست
- لیک در بنash حرص و جنگ نیست لیک در بنash حرص و جنگ نیست

(محمد طبی)

اشتیاق حج و دیدار کعبه

...»حج بَيْتِهِ الْحَرَام، ... يَرْدُونَهُ وَرُوْدُ الْأَنْعَام». (خطبه ۱)

«خانه محترم خداوند ...که مردم چونان تشنگان به سوی آن روی میآورند ».»

حضرت شیفتگان حرم الهی و مشتاقان خانه خدا را به تشنگانی توصیف کرده‌اند که مانند چهار پایان، بیتكلف به سوی آب هجوم می‌آورند .

اعتكاف رسول الله در غار حرا

«وَلَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُجَاوِرُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بِحَرَاءَ فَارَادُ، وَلَا يَرَاهُغْيِرِي». (خطبه 192)

«همانا پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) چند ماه از سال را در غار حرا میگذراند، تنها من او را مشاهده میکرم و کسی جز من او را نمیدید ».»

پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) در سال های قبل از بعثت، خلوتگاهی در کوه حرا جهت عبادت برگزیدند. آیات نخست قرآن در این مکان بر پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) نازل گشت .

اقامه حج

...»فَأَقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ»(نامه 67)

«سپس برای مردم حج را بپایی دار ».»

قرآن میفرماید: {جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَاماً لِلنَّاسِ...}؛ خداوند کعبه را مایه قیام مردم قرار داد^۴.

در این نامه نیز که حضرت در فرمانی به قشم بن عباس، فرماندار مکه مینویسند، لزوم اقامه و بربایی آن را برای مردم تأکید میکنند.

امتحان و آزمایش الهی در حج

«أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَخْتَبَرَ الْأَوَّلَيْنَ مِنْ لِدْنِ آدَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَى الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ بِأَحْجَارٍ ... فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ». (خطبه ۱۹۲)

«همانا خداوند سبحان، انسانهای پیشین، از آدم(علیه السلام) تا آیندگان این جهان را به وسیله سنگهایی، که آن را خانه محترم خود قرار داد، آزمایش نمود».

خداوند ادعای ایمان بندگان را میآزماید و در مسیر همین آزمایش، کعبه را وسیله‌ای برای امتحان مردم جهان قرار داد، امتحانی از اولین تا آخرین انسان.

امنیت حرم

«بَيْتُهُ الْحَرَامَ ... وَيَأْلَهُونَ إِلَيْهِ وَلَهُ الْحَمَام». (خطبه ۱)

«خانه محترم خداوند... که مردم همانند کبوتران به آن پناه میآورند».

در حرم، کشن حیوانات وحشی و شکار آنها حرام است. در حرم جنگ و خونریزی حرام است. کندن درختان و گیاهان حرم جایز نیست. حمل سلاح در آن منوع است. دست زدن به اشیای گم شده در حرم منع شده است. مجرمان پناهنده به حرم، نباید در آنجا مجازات شوند.

{وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبَّ اجْعُلْ هَذَا الْبَلْدَ آمِنًا}.

«و هنگامی که ابراهیم(علیه السلام) دعا کرد که پروردگار! این سرزمین را شهر امن قرار ده^۵.

- کعبه امن و امنی لا جرم در مرتبت کعبه امن و امنی لا جرم در مرتبت
- بارگاه و مجلس تو کعبه و بطحایش شدن بارگاه و مجلس تو کعبه و بطحایش شدن

(ادیب صابر)

امنیت حرم

«جَعَلَهُ (سبحانه وتعالی) ... وَلِلْعَانِدِينَ حَرَماً». (خطبه ۱)

«خداوند سبحان... کعبه را... خانه امن و امان برای پناهندگان قرار داد».

- حق گفت این است هر آن کو به حج رسید حق گفت این است هر آن کو به حج رسید
- ای چرخ حقگزار ز آفات اینمی ای چرخ حقگزار ز آفات اینمی

(مولوی)

اموال کعبه

...»وَكَانَ حَلِيُّ الْكَعْبَةِ فِيهَا يَوْمَئِذٍ، فَتَرَكَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ، ... فَأَقْرَهُ حَيْثُ أَقْرَهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ». (حکمت 270)

«وَإِمَّا زَيْرَ آلاتِ كَعْبَةِ ازْمَوْلَى بُودَنَدَه خَداونَدَه آن را به حال خود گذاشت... تو نیز آن را به حال خود واکذار (و مصرف دیگر مکن) همانگونه که خداوند و پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) آن را به حال خود واکذاشتند ».».

حکم حضرت در آن هنگام که خلیفه دوم قصد استفاده از زیورهای کعبه را برای مصارف دیگر داشت، عدم جواز این کار بود. و استناد حضرت به عدم حکم خدا و عدم اقدام پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) قرار گرفت.

و او نیز گفت :

«لَوْلَاكَ لَا قَضَحْنَا. (وَتَرَكَ الْحَلِيَّ بِحَالِهِ.)»

«بِإِيمَانِكَ لَا يَنْبُدِي، رَسُوا مِيشَدِيمْ (وَمَتَعَرَّضُ زَيْرَ آلاتِ كَعْبَةِ نَشَدْ)»

انبیای الهی در حج

«وَاحْتَارَ... ، وَوَقَفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَاهِ». (خطبه ۱)

«دعوت شوندگان به خانه محترم خداوند کسانی هستند که... پای خود را بر جایگاه انبیای الهی میگذارند ».»

اشاره حضرت در این خطبه به آن است که انبیای الهی در خانه کعبه حضور یافته و حج بیت الله الحرام را انجام داده‌اند. در ضمن روایات بسیاری در تأیید انجام حج توسط حضرت آدم(علیه السلام) تا حضرت خاتم(صلی الله علیه وآلہ) نقل شده است

اهمیت کعبه

«جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِلْأَسْلَامِ عَلَمًا». (خطبه ۱)

«خداوند سبحان کعبه را برای اسلام نشانه گویا قرار داد ».»

کعبه بسان پرچم و درفشی با شکوه بر فراز بنای رفیع اسلام همواره میباشد بر افرادش باشد .

اهمیت کعبه و حج

«وَاللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَا تُخْلُوْهُ مَا بَقِيَّم...». (نامه 47)

«خدا را، خدا را، شما را وصیت میکنم درباره خانه خدا که تا هستید آن را خالی مگذارید ».»

در بیان اهمیت بسیار بالای حج در اسلام، همین بس که حضرت این وصیت را در بستر شهادت به امام حسن و امام حسین(علیهم السلام) میکنند و در سفارش آن با دو بار ذکر جلاله «الله»، تأکید مینمایند

اهل و عیال مسافر

«اللَّهُمَّ... وَأَنْتَ الْخَيْلَةُ فِي الْأَهْلِ».(خطبه 46)

«خداؤند! تو در وطن نسبت به باز ماندگان (و اهل و عیال) ما (مسافران) سرپرست و نگهبانی ».«

جمله فوق قسمتی از دعای سفر است که آن حضرت بیان فرموده‌اند و نیز از امام‌صادق(علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: «الْحَاجُ... مَحْفُوظٌ فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ»؛ «اهل و عیال و مال و منال مسافر خانه خدا محفوظ و در امان است⁶».«

ایام الله در حج

«فَاقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ، وَذَكِّرْهُمْ بِيَامِ اللَّهِ».(نامه ۶۷)

«پس مناسک حج را برای مردم بپیدار و متذکر ایام الله برای آنها باش ».«

حضرت پس از لزوم بر پایی حج که در دستورشان به فرماندار مکه به عنوان امیرالحج مینویسنده، لزوم یاد ایام الله را نیز در ادامه به وی متذکر می‌شوند .

بازار حج

«يُحرِّزُونَ الْأُرْبَاحَ فِي مَتْجَرِ عِبَادَتِهِ».(خطبه ۱)

«دعوت شوندگان حج بیت الله الحرام... سودهای فراوان در تجارته‌گاه و بازار عبادت الهی به دست می‌اورند ».«

بنيای کعبه از زمان آدم(علیه السلام)

«أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلَيْنَ مِنْ لِدْنِ آدَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ... بِأَحْجَارٍ... فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ...».(خطبه 192)

«همانا خداوند سبحان آزمایش کرد انسانها را از آدم(علیه السلام) تا... با سنگهایی ... که آن را خانه محترم خود قرار داد ».«

از این بیان حضرت چنین نتیجه‌ای نیز به دست می‌آید که بنای کعبه در زمان آدم(علیه السلام) نیز بر پا بوده است و اقدام حضرت ابراهیم(علیه السلام) صرفاً تجدید بنای این خانه الهی بوده است .

بنيای کعبه از زمان آدم(علیه السلام)

«ثُمَّ أَمَرَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامَ وَوَلَدَهُ أَنْ يَثْنُوا أَعْطَافَهُمْ نَحْوَهُ»(خطبه 192)

«پس آدم و فرزندانش را فرمان داد که به سوی کعبه بازگردند ».«

بنيای ساده کعبه

«وَلَوْ كَانَ الْأَسَاسُ الْمَحْمُولُ عَلَيْهَا، وَالْأَحْجَارُ المَرْفُوعُ بِهَا؛ مِنْ زُمُرْدَةَ خَضْرَاءِ... لَخَفَقَ ذَلِكَ مُصَارَعَةُ الشَّكَّ فِي الصُّدُورِ».(خطبه 192)

«و اگر پایه‌ها و بنیان کعبه و سنگهایی که در ساختمان آن به کار رفته، از زمرد سبز و یاقوت سرخ و دارای نور و روشنایی بود، دلها دیرتر به شک و تردید میرسیند ».«

حضرت در این بیان فرموده است: خداوند بنای کعبه را ساده قرار داد تا انسان ها را با آن بهتر بیازماید و امکان ایجاد زمینههای شک و تردید در این آزمایش الهی برای مشکلتر شدن این آزمون است؛ چرا که وسیله امتحان مبایست با توجه به ارزش و اهمیت نتیجه آن، صورتی مشکلتر داشته باشد.

بهشت پاداش حج

«جَلَّهُ اللَّهُ... وَصَلَّةُ إِلَيْهِ جَنَّتُهُ». (خطبه 192)

«خداوند حج را وسیلهای برای... رسیدن بندگان به بهشت خویش قرار داد.»

بهشت پاداشی است که خداوند برای آنان که از آزمون بزرگ حج نیز، امتیاز قبولی را به دست آورند، مقرر فرموده است.

بهترین وسیله تقریب به خداوند

«إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى... حَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ». (خطبه 110)

«همانی بهترین چیزی که انسانها میتوانند به وسیله آن به خداوند سبحان نزدیک شوند و متول گردند... حج خانه خدا و عمره آن است.»

وسایل تقریب و نزدیکی به خداوند، بسیار است، اما آنچه را حضرت در این خطبه به عنوان بهترین این وسایل بر میشمارند، ده چیز است، ایمان، جهاد، اخلاص، نماز، زکات، روزه، حج، صله رحم، صدقه، کارهای پسندیده و یکی از این امور همان حج و عمره بیت الله الحرام است.

بیتوجّهی به زیباییهای دنیوی در حج

«...وَيَرْمَلُونَ عَلَى أَقْدَامِهِمْ، شُعْنَّا عَبْرًا لَهُ». (خطبه ۱۹۲)

«عاشقان بیت الله... طواف خانه میکنند... در حالی که موہایشان آشفته است و بدن های غبار آلود دارند.»

توصیف حضرت از حجاج شیفته بیت الله در این است که آنان چنان عاشق زیارت خانه دوست هستند که بیتوجّه به وضیعت ظاهري، به محض رسیدن از راه دشوار سفر، با همان وضع آشفته، اما درونی زیبا، به دیدار کعبه که نشان از محبوب دارد، میشتابند.

بیگانگان در مراسم حج

رجوع شود به :

توطنه بیگانگان در مراسم حج. (نامه ۳۳)

در حالی که بیگانگان و دشمنان اسلام، تأثیرات عمیق حج را در ارتقای دین و دنیای مسلمین مبینند و تأثیر شنگرف آن را در وحدت و انسجام بلاد اسلامی مشاهده میکنند، در مقابل این مراسم وحدت آفرین، بیتفاوت نمینشینند و از توطنه در تضعیف آن مضایقه نمیکنند.

پاداش حج

«وَلَوْ أَرَادَ سُبْحَانَهُ... لَكَانَ قُدْ صَغْرٌ قُدْرُ الْجَزَاءِ، عَلَى حَسَبِ ضَعْفِ الْبَلَاءِ». (خطبه 192)

«اگر خداوند سبحان خانهاش را در سرزمینی قرار میداد که... همانا پاداش آن به تبع ضعیف شدن آزمایش کمتر میشد.»

در این بیان، حضرت به حاج رنجیدهای که برای رسیدن به خانه محبوب، سختیهای فراوانی را متحمل میگردند، نوید میدهد که رنجهای این سفر الهی هر چه بیشتر باشد، پاداش آن نیز به مراتب افزونتر خواهد بود.

پاداش حج، وصال بهشت

«جَعْلَهُ اللَّهُ... وَصْلَةً إِلَى جَنَّتِهِ». (خطبه 192)

«خداوند حج را سببی برای... رسیدن بندگانش به بهشت قرار داد.»

و پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) فرمود: یک حج مبرور (نیکو)، از دنیا و هر چه در دنیاست بهتر است و چنین حجی پاداشی جز بهشت ندارد.⁷

پاداش حج، غفران الهی

«وَيَبَدِّلُونَ عِذْهَ مَوْعِدَ مَغْفِرَةً». (خطبه 1)

«دعوت شوندگان بیت الحرام... به سوی وعدگاه آمرزش الهی میشتابند.»

آمرزش الهی نیز پاداشی است که خداوند به مسافران کوی خویش و عده داده است و وعدگاه این گذشت و این عفو، خانه خداست.

پناه بیپناهان

«جَعْلَهُ... وَلِلْعَائِدِينَ حَرَماً». (خطبه 1)

«خداوند سبحان... کعبه را... خانه امن و امان برای پناهندگان قرار داد.»

- کعبه زو تشریف بیت الله یافت کعبه زو تشریف بیت الله یافت
- گشت ایمن هر که در وی راه یافت گشت ایمن هر که در وی راه یافت

(عطار)

پناهگاه انسانها

«بَيْتُهُ الْحَرَامُ... يَأْلَهُونَ إِلَيْهِ وَلَهُ الْحَمَامُ». (خطبه 1)

«خانه محترم خدا... که انسانها همانند کبوتران به آن پناه میبرند.»

حضرت تعبیر از «پناه کبوتران»، اوج نیاز پناهنده شدن به ملجاً مطمئن برای انسان و آرامبخش بودن این پناهگاه ویژه را برای او نشان میدهد.

- ای چو کعبه، وحوش را همه امن ای چو کعبه، وحوش را همه امن
- خلق را مقصراً و درگهت مأمون خلق را مقصراً و درگهت مأمون

(مسعود سعد سلمان)

تبليغات در حج

«فَاقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ، وَذَكَرُهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ».(نامه ٦٧)

«حج را برای مردم پیا دار و روزهای خدا را به ایشان متذکر باش ».»

یادآوری ایام الله، روزهای خدا، روز قیامت، روز موت، نعمتهاي الهي و روزهای بزرگ پیروزی و موفقیت الهی، تبليغاتی است که امام در حج به قثم بن عباس فرماندار مکه و امیر الحاج فرمان میدهند؛ تبليغاتی که در ترغیب مردم به امور خیر مبایست هر سال با شکوهتر تدوین و اجرا گردد .

تجارت در حج

«يُحرِّزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَنْجَرِ عِبَادَتِهِ».(خطبه ١)

«دعوت شوندگان حج بیت الحرام... سودهای فراوان در تجارتگاه الهی به دست میآورند ».»

تجارت حج معاملهای است میان خالق و مخلوق، تجارتگاه حج بازار بندگی میهمانان بیتلارحمان است. حج در این بازار بهایی است برای خرید غفران الهی و بهشت خداوند؛ تجاری که خسران ندارد .

توطئه بیگانگان در مراسم حج

«كَتَبَ إِلَيَّ يُعْلَمُنِي أَنَّهُ وُجَّهَ إِلَى الْمَوْسِمِ أَنَّاسٌ مِّنْ أَهْلِ الشَّامِ، الْعُمْيُ الْقُلُوبُ».(نامه ٣٣)

«به من خبر رسیده است که گروهی از کور دلان و... از اهل شام (أمورین معاویه) به سوی مکه (برای توطنه) در مراسم حج گسیل شدهاند ».»

امام خمینی(قدس سره): در مراسم حج، ممکن است اشخاصی از قبیل ملاهای وابسته به خود را وادر کنند که اختلاف میان شیعه و سنتی ایجاد کنند و آنقدر به این پدیده شیطانی دامن زند که بعضی ساده دلان باور کنند و موجب تفرقه و فساد شوند. برادران و خواهران هر دو فرقه باید هشیار باشند و بدانند که این کوردلان جیره خوار با اسم اسلام و قرآن مجید و سنت پیامبر(صلی الله علیه وآلہ وسنتہ) میخواهند اسلام و قرآن و سنت را از بین مسلمین پرچینند و یا لا اقل به انحراف کشانند⁸.

تعليم و تعلم در حج

«فَاقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ... فَاقْتِ الْمُسْتَقْتَى، وَعَلَمْ الْجَاهِلَ».(نامه ٦٧)

«حج را برای مردم پیا دار و ... آنان که پرسشهاي ديني دارند، با فتوها آشنایشان گردان و ناآگاهان را آموزش ده ».»

تقویت دین با حج

«فَرَضَ اللَّهُ... وَالْحَجَّ تَثْوِيَةً لِلَّدِينِ».(حکمت ٤ ، ٢٤ ، فیض الاسلام)

«خداوند حج را به عنوان عاملی برای تقویت دین، واجب گردانید».

حفظ و تقویت دین، ضرورتی انکارنایزیر و بلکه از اوج واجبات است. تقویت دین طرق بسیار دارد و بسته به زمان و مکان و موقعیت خاص، روش ویژه خود را می‌طلبد، و حج به عنوان یک استراتژی همه ساله، این تاثیر نیرومند را در تقویت دین داشته و مسلمین آگاه می‌باشد بدان توجه جدی بنمایند.

تواضع در حج

«وَجَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عَلَمَةً لِتَوَاضُّعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ».(خطبه 1)

«خداوند حج خانه‌اش را علامت تواضع مردم در برابر عظمت خویش قرار داد».

حج از جمله مقامات و عباداتی است که فرد مسلمان با شرکت در آن، اوج تواضع و فروتنی خود را در برابر خالق نشان میدهد و با اجرای فرامین خداوند، کرنش خویش را در مقابل عظمت باری تعالیٰ به نمایش می‌گذارد.

تواضع در حج

«حَنَّى يَهُرُوا مَنَاكِبُهُمْ ذُللاً».(خطبه 192)

«عاشقان بيت الله الحرام... شانه‌های خود را با خضوع و فروتنی بسیار (در سعی و طوف) (می‌جنبانند».

در حج، هر کس با هر شخصیت و با هر مقام و منصب دنیوی و هر نوع افتخار قومی و ظاهري، ذلبلانه، تمرين تواضع و فروتنی می‌کند. تواضع در برابر خالق، که فروتنی در برابر مخلوقات را هم به دنبال دارد.

توجه به نیاز حجاج

«وَمَرْأُ أهْلَ مَكَّةَ أَلَا يَأْخُذُوا مِنْ سَاكِنَ أَجْرًا».(نامه 67)

«و به مردم مکه فرمان ده تا از هیچ زانه‌ی در ایام حج اجرت مسکن نگیرند».

رفع نیاز حجاج و از جمله تأمین مسکن آنان، از مسائل مهمی است که حکومت اسلامی در جهت برپایی هر چه باشکوهتر این فریضه الهی می‌باشد مذکور داشته و بدان همت گمارد. در این نامه حضرت به فرماندار مکه و امیر الحاج منصوب خود، در این زمینه دستور صریح میدهد.

توجه به نیازمندان در حج

«وَلَا تَحْجُبُنَّ ذَا حَاجَةَ عَنْ إِفَائِكَ بِهَا».(نامه 67)

«و (در حج) هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مگردان».

توجه به نیازمندی‌های محروم‌مان را امام به فرماندار مکه مینویسد و این اعم است از نیاز حجاج و نیاز محتاجان و نیاز مسلمانان سایر کشورهای اسلامی

توحید در حج

«حَجَّ بَيْنَهُ الْحَرَامُ... وَجَعَلَهُ... وَإِذْ عَانِيهِمْ لِعَزَّتِهِ».(خطبه ۱)

«خداوند سبحان حجّانهاش رانشانه اعتراف به عزّت و بزرگی خویش قرارداد ».»

تمامی مراسم حج درس توحید و اقرار به وحدانیت و عزّت و عظمت خداوند است. حج جدای از تمام آثار و منافع سرشار آن، تمرین یکتاپرستی و شناخت عظمت و بزرگی حضرت باری تعالی است.

توسل به خداوند

«إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ... حَجُّ الْبَيْتٍ وَاعْتِمَارُهُ». (خطبه 110)

«بهترین وسیله توسل و تقرب به خداوند سبحان، ... حجّ خانه خدا و عمره آن است ».»

به فرموده حضرت ، توسل به خداوند سبحان اسباب و وسائلی میخواهد) وَابْتَلُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ) که به ده مورد از بهترین آنها اشاره میفرمایند و حج و عمره، از جمله این وسائل دهگانه است که باعث توسل و تقرب به خداوند باری تعالی می گردند .

جایگاه انبیای الهی

«بَيْتُهُ الْحَرَامُ... وَأَحَثَارُ... وَوَقَّلُوا مَوَاقِفَ أُنْبِيَاِهِ». (خطبه ۱)

«خداوند برگزیدگانی را به حج دعوت نموده... بر جایگاه انبیای الهی قرار گیرند ».»

شاید کعبه تنها جایگاهی است که همه انبیای الهی از آدم(علیه السلام (تا خاتم(صلی الله علیه وآلہ وسیدہ) در آن حضور یافته و به فرمان الهی حج بیت الله را انجام داده اند .

جایگاه کعبه در اسلام

«جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عَلَمًا». (خطبه 1)

«خداوند سبحان، کعبه را نشانهای کویا برای اسلام قرار داد ».»

جایگاه و ارزش کعبه در اسلام، موقعیت پرچم و درفش هر قدرت و هر مکتبی است. لذا این علم همواره باید بر پا و بر افراشته بماند تا نشان از بر پایی و قدرت و شکوه اسلام باشد .

جهاد ناتوانان

...»وَالْحَجُّ جَهَادٌ كُلُّ ضَعِيفٍ». (حکمت 136)

«حج جهاد هر ناتوان است ».»

علی(علیه السلام) یا این بیان، حج را مرتباً ای از جهاد فی سبیل الله قرار میدهد که مفهوم انجام حج را پیروزی بر سپاه دشمن در کمین میتوان شمرد. بیانی که هم اهمیت و ارزش حج را بیان میکند و هم افراد ناتوان را از ناامیدی و دوری از مسؤولیت شرکت در جنگ، بر حذر میدارد .

حج آدم

...»ئَمَّا أَمْرَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَلَدُهُ أَنْ يَثْنَوْا أَعْظَافُهُمْ تَحْوَةً». (خطبه 192)

«سپس آدم(علیه السلام) و فرزندانش را فرمان داد که به سوی کعبه بیایند ».»

حضرت آدم(علیه السلام) و فرزندانش نیز به فرمان خداوند به این امتحان الهی تن دادند و به سوی آن روی آوردن، حج گزاریدند و مورد احترام و تبریک فرشتگان قرار گرفتند و در پی آدم(علیه السلام) سایر پیامبران الهی، این فرمان خداوند را لبیک گفتند

حج، اعتراف به عزت خداوند

«حجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامُ... وَجَعَلَهُ... وَإِذْعَانُهُمْ لِعَزَّتِهِ». (خطبه ۱)

«حجَّ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ... كَه خداوند نشانه اعتراف مردم به عزت و بزرگی خویش قرارداد ».»

اذعان و اعتراف به عزت و بزرگی خداوند و کوچکی و ذلت انسان در برابر حضرت باری تعالی، بیان بندگی خالص مخلوق است در برابر خالق و سرتاسر حج، مشق توحید و درس عبودیت مسلمان مؤمن است .

حجّ انبیا(علیهم السلام)

«بَيْتِهِ الْحَرَامُ... وَأَخْتَارَ... وَوَقَثُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَاهُ». (خطبه ۱)

«دعوت شوندگان به حجّ بيت الحرام ... کسانی هستند که ... در جایگاه وقوف انبیای الهی وقوف میکنند ».»

حضرت در این خطبه، فرضیه حج را پیری انبیای الهی شمرده و وقوف آنان را در این سرزمین و انجام حج بیان میفرمایند. در روایتی دیگر در کتاب فروع کافی، جلد ۴، ص ۲۱، آمده است که: نوح(علیه السلام) هنگامی که کشتیاش دچار طوفان سهمگین بود، مراسم حج را به جای آورد .

موysi(علیه السلام) با هفتاد پیامبر برای حج احرام بست .

یونس(علیه السلام) در آغاز حج «لَبَيْكَ كَشَافَ الْكُرْبَ العِظَامَ لَبَيْكَ» گفت .

عیسی بن مریم(علیه السلام) حجش را با «لَبَيْكَ يَا ذَا الْمَعَارِجِ لَبَيْكَ» آغاز نمود .

داوود(علیه السلام) وقتی بر بالای کوه، موج جمیعت طواف کننده را دید، دست به دعا بلند کرد .

سلیمان(علیه السلام) با حضور انس و جن، مناسک حج را به جا آورد

حج، بازار بندگی خداوند

«يُحْرِزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَتْجَرِ عِبَادَتِهِ». (خطبه ۱)

«دعوت شوندگان حج بيت الحرام ... سودهای فراوان در این بازار عبادت خداوند به دست میآورند ».»

امام خمینی(قدس سرہ): «مراتب معنوی حج، که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک میکند، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود^۹ ».»

حج، بهای بهشت

«جَلَلَهُ اللَّهُ... وَصَلَّةُ إِلَيْيِ جَنَّتِهِ». (خطبه 192)

«خداوند حج را وسیله‌ای ... برای رسیدن (بندگان) به بهشت خویش قرار داد ».»

برای وصال و راهیابی به جنت و بهشت، قیمت و بھای لازم است که حج مقبول به فرموده حضرت، یکی از آنهاست و این جنت، جنت اوست. جنت خاص اوست.

حج، بهترین وسیله تقریب به خداوند

«إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى... وَحَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ». (خطبه 110)

«همان‌با بهترین وسیله تقریب به خداوند سبحان (ده چیز است؛ از جمله)... حج و عمره بیت الله الحرام ».»

در این خطبه حضرت، حج و عمره را از جمله راههای دهگانه، و بهترین وسیله تقرب به خداوند میخوانند. حجی که سرتاسر اعمالش با نیت قربة الى الله برگزار شود به یقین تأثیری این چنین خواهد داشت.

حج، بیت‌وجهی به زیبایی‌های ظاهري

«وَشَوَّهُوا بِإِعْفَاءِ الشُّعُورِ مَحَاسِنَ خَلْقِهِمْ». (خطبه 192)

«عاشقان بیت الله... بر اثر اصلاح نکردن موهای سر، قیافه زیبای خود را زشت گردانیده‌اند ».»

حجاج بیت الحرام پس از طی مسافتهاي طولاني و سخت، در حالی به بیت خدا میرسند که موهای سرشان بلند و در اثر این پریشانی مو، قیافه‌هایشان نا مرتب است و بیت‌وجه به اشتفتگی ظاهري، به محض رسیدن به خانه محبوب، با همان وضع درهم به زیارت و طواف بیت الله میشتابند.

حج، بیت‌وجهی به زیبایی‌های دنیوي

«وَيَرْمُلُونَ عَلَيْ أَقْدَامِهِمْ، شُعْثُ عَبْرَأَ لَهُ». (خطبه ۱۹۲)

«عاشقان بیت الحرام... بر پاهای خود هروله میکنند در حالی که (بیت‌وجه به مظاهر دنیوی) موهایشان آشفته و بدن‌های پرگرد و غبار دارند ».»

در حج، حاجیان زیبایی‌های ظاهري را به دور میریزند و بیت‌وجه به مظاهر پوچ دنیوی، جلوه‌های زیبای خدایی را برگزیده‌اند.

حجگزاران، این حالت آشفته و غبار گرفته را در طی سفر حج و برای کسب رضای خداوند گرفته و زیبایی‌های شخصی خود را در این راه الهی از دست داده‌اند.

حج، دعوت برگزیدگان

«حَجَّ بَيْتَهُ الْحَرَام... وَأَخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سُمَاعًا أَجَابُوا إِلَيْهِ دَعْوَتَهُ». (خطبه 1)

«خداوند از انسانها شنوندگانی را برگزید (تا با انجام حج) سخنوار را تصدیق کنند ».»

در روایات آمده است که حج در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان که شب قدر است، مقدار میشود، و در روایتی آمده است: اینگونه نیست که برخی از مردم تصور میکنند که اگر مال داشته باشند میتوانند به حج بروند، چه بسا ثروتمندانی که بیش از مخارج سفر حج مال دارند، اما تا زمانی که خداوند به آنها اجازه نداد، توفیق حج را به دست نمیآورند.

در هر حال، در این بیان حضرت، حجگزاران واقعی کسانی هستند که خداوند متعال آنان را برگزیده و دعوت به حج نموده است.

- چند گویی کعبه را کاینک به خدمت میرسم چند گویی کعبه را کاینک به خدمت میرسم
- چون نخواهند هنوز از دور خدمت میرسان چون نخواهند هنوز از دور خدمت میرسان پوشیده میگردد. که دیگر هیچ شخصیتی جز تقوا، خریدار ندارد.

(نظمی)

حج، زایل کننده شخصیتهاي کاذب

«قد تَبَدَّلُوا السَّرَّابِيلَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ».(خطبه 192)

«عاشقان بيت الحرام ...لباسهای خود را که نشانه شخصیت آنها است، درآورند و پشت سراندازند «.

حجگزاران با ورود به احرام، شخصیتهاي دنیوي را پشتسر میاندازند و در مقابل، جز خداوند چیزی را نمیابند. شخصیتهاي قومي، شخصیتهاي سیاسي، شخصیتهاي جغرافیایی، شخصیتهاي طبقهای، شخصیتهاي مالی و اقتصادي، شخصیتهاي نظامي و حتی شخصیتهاي علمي که هر کدام با لباسهای گوناگون و متعدد الشکل (يونیفرم) و درجه، نمود برتری و بزرگی و تفاخر هستند، از تن بیرون میشوند و لباس یکرنگ و ساده و سفید و بیارایش و هماهنگ برتن حج، پیروی انبیای الهی

«حجَّ بَيْنَ الْحَرَامِ... وَاحْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ... وَوَقَّفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ».(خطبه 1)

«دعوت شوندگان به حج بيت الله الحرام، کسانی هستند که... در جایگاه انبیا وقوف مینمایند «.

از آنجا که بنای دین همه پیامبران الهی، بر مبانی توحید و یگانه پرستی بوده است و از آنجا که همه انبیا به کعبه روی آورده و حج گزارده‌اند و از آنجا که قدم همه رسولان پاری تعالی در این مکان مقدس جایگاهی را ایجاد نموده است، در واقع حجگزار در خانه خدا پای بر جای پای آن بزرگان گزارده و با حرکت در مسیر آنان پیروی انبیای الهی از آدم(علیه السلام) تا خاتم(صلی الله علیه وآلہ) را مینماید

حج، جایگاه ترویج علوم دینی

...»فَاقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ،... فَاقْتِ الْمُسْتَقْتَى، وَعَلَمْ الْجَاهِلَ».(نامه 67)

«پس حج را برای مردم بپادار... و فتاوی صادره را به پرسش کنندگان ابلاغ کن و نا آگاهان را آموزش بد «.

از جمله‌منافع بسیار ارزشمند حج، آثار علمی و فرهنگی اینفریضه باشکوه‌الله است و نقش آن در نشر معارف اهل بیت(علیهم السلام) و تفکه در دین در برخی از روایات بیان شده است.

حج، جهاد ناتوانان

...»وَالْحَجُّ جَهَادٌ كُلُّ ضَعِيفٍ«). حکمت (136)

«حج جهاد هر ناتوان است ».«

به فرمایش حضرت، حج مرتبهای از جهاد است. همانند رزمایشی است نیرومند و قدرت نمایی بینظیر. عظمت و وحدت مسلمین را در چشم دشمنان مینمایاند و آنان را پیش از هرگونه توطنه و هجمه، از این خیال شوم و پلید بر حذر میدارد .

حج، سبب رحمت الهی

«جَعَلَهُ اللَّهُ سَبَبًا لِرَحْمَتِهِ». (خطبه 192)

«خداوند حج را سببی برای رحمت خویش قرار داد ».«

از جمله اسباب و علی که رحمت خداوند را به دنبال دارد، حج خانه اوست. فلسفه حج ورود در میهمانی خدای بزرگ و طلب رحمت افزونتر و خروج از معاصی و گناهان و توبه از گذشته اعمال و انتخاب راه و روش صحیح برای آینده است .

حج و عمره، شستشو دهنده گناهان

«وَحَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ... وَيَرْحَضَانِ الدُّبُّ». (خطبه ۱۱۰)

«حج و عمره بیت الحرام .. شستشو دهنده گناهاند ».«

حج، تصدیق کلام خداوند

«حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَام... وَأَخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سُمَاعًا... وَصَدَّقُوا كَلِمَتَهُ». (خطبه 1)

«خداوند در میان انسانها، شنوندگانی را برگزید (تا با انجام حج) سخن او را تصدیق نمایند ».«

زائران خانه خدا با اجابت دعوت حق، در واقع این کلام خداوند را تصدیق نموده لبیک میگویند که فرمود :

{وَأَدْنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجَّ يَأْتُوكَ رَجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجَّ عَبِيقٍ}.

«ای ابراهیم در میان مردم به حج خانه خدا بانگ برآور تا به سوی تو آیند، در حالی که پیاده و سوار بر هر اشتری لاغر، از هر راه دور می‌ایند¹⁰ ».«

حج، عامل تقویت دین

«فَرَضَ اللَّهُ... وَالْحَجُّ تَثْوِيَةٌ لِلَّدِينِ». (حکمت ۴ ۲۴ فیض الاسلام)

«خداوند حج را برای تقویت دین واجب گردانید ».«

حکمت ۴ ۲۴، در ترجمه و شرح نهج البلاغه مرحوم فیض الاسلام به صورت «تَثْوِيَةٌ لِلَّدِينِ» آمده است که به هر صورت با توجه به احادیث و روایات مشابه؛ از جمله این فرمایش حضرت زهرا(علیها السلام) «الْحَجَّ

تَشْيِيداً لِلَّدِينِ»؛ «حجٌ بِشَوَّانِهِ اسْتَوَارِي بِرَأْيِ تَحْكِيمِ دِينِ اسْتَ»، مفهومی مشابه داشته و این فرمایش نه تنها اهمیت حج را میرساند بلکه تکلیف عملی مسلمین را در حفظ و تقویت دین از راه حج نیز بیان میدارد.¹¹

حج، عامل همبستگی دینی

«فَرَضَ اللَّهُ... وَالْحَجَّ تَثْرِبَةً لِلَّدِينِ».(حکمت 252)

«خداؤند حج را وسیله نزدیکی و همبستگی مسلمانان قرار داد.».

حج، تبلور شکوه وحدت اسلامی و تجلی قدرت امت مسلمان و نمایشگاه حضور همدلان و همراهانی است که ناهمگونی «سیما» را با همگونی «سیرت» پیوند میزنند، تا شعار اتحاد اسلامی را فراتر از شکلها، رنگها و معیارهای جغرافیایی و نژادی تحقق بخشدند و تعالیم آیین وحدت آفرین اسلام را عرضه نمایند

حج، عامل رونق اقتصادی

«وَحَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ، فِيهِمَا يَتَفَقَّانِ الْفَقْرَ».(خطبه 110)

«حج و عمره خانه خدا.. نابود کننده فقر هستند.».

حج، جدا از تأثیرات معنوی و اخروی، دارای منفعت دنیوی و رونق اقتصادی است و نتیجه آن از میان رفتن فقر در جوامع اسلامی است

حج، محل گفتگوی دانشمندان

...»**فَاقِمُ لِلنَّاسِ الْحَجَّ،... وَدَائِرُ الْعَالَمِ».**(نامه ۶۷)

«حج را بپایی دار... و یا دانشمندان به گفتگو بپرداز ».»

بسیاری از دانشمندان از سرزمهنهای دور، در وقت معین حج، در این مکان موعد گرد میایند. توجه به آنان و گفتگوی با علماء و در مقیاس وسیعتر ایجاد زمینهای مباحثه عام دانشمندان و برگزاری جلسات و سمینارهای علمی میتواند آثار بسیار ارزشمندی را برای جوامع اسلامی و نشر و گسترش علوم در سراسر بلاد مسلمان در پیدا شته باش

حج و حکومت اسلامی

«**فَاقِمُ لِلنَّاسِ الْحَجَّ».**(نامه 67)

«پس برای مردم حج را بپایی دار ».»

در این نامه که حضرت آن را در فرمانی به قشم بن عباس، فرماندار مکه نوشته‌اند، لزوم برپایی حج را توسط دستگاه حکومتی بیان کردند.

حج و رفع نیاز محتاجان

«**وَلَا تَحْجُبَنَّ ذَا حَاجَةَ عَنْ إِقَانِكَ بِهَا**».(نامه 67)

«و (در حج) هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مگردان ».»

ابو احمد از صحابه خاص امام صادق(عليه السلام) گويد: با امام صادق(عليه السلام) مشغول طواف بودم، دستش به دست من بود، مردي پيش آمد و از من حاجتي خواست، اشاره کردم آنجا باش تا فارغ شوم.

فرمود: کیست؟

گفتم: مردي است، از من حاجتي خواست.

فرمود: مسلمان است؟

گفتم: بلي.

فرمود: برو نيازش را برآور.

گفتم: طواف را قطع کنم؟

فرمود: بلي.

گفتم: گرچه واجب باشد؟

فرمود: بلي، گرچه واجب باشد. هركه در پينياز مسلمان رفت، خداوند برايش هزار هزار حسن بنويسد و از او هزار هزار سنه وکاه بزدايد و برايش هزار هزار درجه بالا بيرد.¹²

حج، وسیله امتحان مردمان

«فَجَعَلَهَا بَيْتُهُ الْحَرَامَ... ابْتِلَاءً عَظِيمًا، وَامْتَحَانًا شَدِيدًا وَأَخْتِيَارًا مُبِينًا».(خطبه 192)

«پس آن را بيت محترم خويش قرار داد... (و حج آن را) آزموني بزرگ و امتحاني سخت و آزمایشي آشکار».

حج وسیله امتحان ايمان مردمان از حضرت آدم(عليه السلام) تا پايان انسانها است؛ امتحاني که به فرموده آن بزرگوار بسيار بزرگ و سخت خواهد بود.

و حضرت در اين خطبه، سه نوع آزمون الهي را بيان ميکند.

حج، وسیله خلوص

«فَجَعَلَهَا بَيْتُهُ الْحَرَامَ... وَتَمْحِيصًا بَلِيفًا».(خطبه 192)

«پس آن را خانه محترم خويش قرار داد (و حج آن را)... براي پاكسازи و خالص شدن».

زان بيت الله الحرام با تحمل سختيهاي سفر و طي راههای پر مشقت و اقدام به اين عبادت الهي، تاثيرات ارزشمندي را در پاكسازی دل، از هر آنچه غير خداست، به دست مياورد و با حجي مقبول بر خلوص دل ميافزايد و صفائی باطن را تحصيل و به ارمغان ميبرد.

حج، وعدهگاه آمرزش الهي

«وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامَ... وَيَتَبَادِرُونَ عِنْدَهُ مَوْعِدٌ مَفْرَتٍ».(خطبه 1)

«وَخَادُونَدْ حَجَّ خَانَهُ مُحْتَرِمٌ خَوِيشَ رَا بِرْ شَمَا وَاجِبٌ نَمُود... (وَدُعْوَتْ شُونَدَگَانْ)... بِهِ سُويٌّ وَعَدَگَاهُ آمَرْزَشْ الْهَيِّ مِي شَتابَندْ».

به فرمایش حضرت، خانه خدا، وعدگاه آمرزش الهی است، وحضرت باریتعالی عفو و آمرزش خود را به حاجیان خانهاش و عده فرموده است.

حجّ معنوی

«فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ... تَهْوِي إِلَيْهِ ثِمَارُ الْأَقْدِنَةِ».(خطبه ۱۹۲)

«خداوند آن (کعبه) را خانه محترم خویش قرار داد که... انسانها به سوی آن با میوه دلها [عشق] روی میاورند».

حج، سرشار از جلوههای معنوی و درس های بزرگ عرفانی و نمادهای پرشکوهی از رابطه عاشقانه بندۀ با معبود خویش است.

لذا به فرموده حضرت، عاشقان بیت الله، با این خصوصیت رو سوی خانه دوست مینمایند.

- سفر کعبه، نمودار ره آخرت است سفر کعبه، نمودار ره آخرت است
- گرچه رمز رهش از صورت دنیا شنوند گرچه رمز رهش از صورت دنیا شنوند

خاقانی (حراء)

«وَلَقِدْكَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُجَاوِرُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بِحَرَاءَ فَأَرَاهُ، وَلَا يَرَاهُ غَيْرِي».(خطبه 192)

«همانا پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) چند ماه از سال را در غار حرا میگذراند و تنها من او را مشاهده میکردم و کسی جز من او را نمیدید».

حرا نام غاری است در جبلانور یا کوه حرا، در فاصله ۶ کیلومتری مکه. این غار خلوتگاه پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) در سالهای قبل از بعثت بوده و آیات نخست قرآن در آنجا بر پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) نازل شده است.

حفظ اموال کعبه:

وَكَانَ حَلْيُ الْكَعْبَةِ فِيهَا يَوْمَئِنْ، فَتَرَكَهُ اللَّهُ عَلَى حَالِهِ... فَأَقْرَهُ حَيْثُ أَقْرَهَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ».(حکمت 270)

«وَامَّا زِيورَهَايِّ کعبَه از اموالِ بُونَدَ که خداوند آن را به حال خود گذاشت تو نیز آن را به حال خود واگذار، همانطور که خداوند و پیامبرش آن را به حال خود گذاشتند».

در این بیان، حضرت بر حفظ زیورهای کعبه و عدم مصرف آن در امور دیگر تأکید میکند. چه بسا با تعمیم آن، حفظ استقلال مالی کعبه و مصرف وجوهات آن را در راه توسعه و گسترش خود حرم و اماکن وابسته به آن بتوان نتیجه گرفت.

حکومت اسلامی و خانه خدا

«وَاللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَا تُخْلُوُهُ مَا بَقِيَّتْ».(نامه ۴۷)

«خدا را، خدا را، درباره خانه خدا، که تازنده هستید آن را خالی مگذارید ».»

این بیان قسمتی از وصیت آن حضرت در واپسین لحظات زندگی است به فرزندانش که در این نامه، حضرت لزوم اهمیت برپایی هر چه باشکوهتر حج و وظیفه حکومت اسلامی را در تقویت این عبادت مهم الهی، بیان میکند، اما با همه تشویق، اگر مردم به حج راغب نگشتند، بر امام مسلمین و حکومت اسلامی است که با اعزام آنان به حج، مخارج سفر آنان را تأمین کند .

پینوشت ها:

1. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۶۶.

2. وافي، ج ۲، کتاب الحج .

3. آل عمران: ۹۷.

4. مائدہ: ۹۶.

5. ابراهیم: ۳۶.

6. کافی، ج ۴، ص ۲۵۲.

7. احیاء العلوم، ج ۱، ص ۴۰.

8. فصلنامه «میقات حج»، ش ۷

9. فصلنامه «میقات حج»، شماره ۱

10. حج: ۲۷.

11. بحار، ج ۴، ص ۱۵۸.

12. کافی، ج ۴، ص ۱۵۴.